

refers several times to Abū al-Barakāt (pp. 125, 231–232, 336, 444, 525), and equates him to al-Suhrawardī, and relies on his arguments against Peripatetic philosophy.

BIBLIOGRAPHY

Abū al-Barakāt al-Baghdādī, Hibat Allāh, *al-Mu'tabar fī al-ḥikma*, ed. Zayn al-'Ābidīn Mūsawī and Sulaymān Nadwī (Hyderabad, 1357–1358/1937–1938); Āstān-i Quds, *Fihrist*; al-Baghdādī, *Hadiyya*; al-Bayhaqī, 'Alī b. Zayd, *Tatimmat Siwān al-ḥikma*, ed. Muḥammad Shafī' (Lahore, 1351/1931); Brockelmann, I, SI; Corbin, Henry, *Histoire de la philosophie Islamique* (Paris, 1964); al-Dhahabī, Muḥammad b. Aḥmad, *Siyar a'lām al-nubalā'*, ed. Shu'ayb al-Arna'ūt and Muḥammad Na'im 'Arqasūsī (Beirut, 1405/1985); Feldman, Seymour, 'Cosmology', *Encyclopaedia Judaica*, vol. 5, p. 984, see also 'Hibat Allāh, Abū al-Barakāt (Nathaniel) Ben Ali (Eli) al-Baghdādī', vol. 8, p. 462; Ibn Abī Uṣaybi'a, Aḥmad b. 'Abd al-Ḥalīm, *Uyūn al-anbā'*, ed. August Müller (Königsberg, 1299/1884); Ibn Khallikān, *Wafayāt*; Ibn Sīnā, *al-Ishārāt wa al-tanbīhāt*, ed. Sulaymān Dunyā (Cairo, 1972); idem, *al-Shifā'*, ed. George Anawati and Sa'īd Zāyid, (Cairo, 1975); idem, *al-Najāh*, ed. Muḥammad-Taqī Dānishpazhūh (Tehran, 1364 Sh./1985); Ibn Taymiyya, Aḥmad, *al-Radd 'alā al-manḥiqīn*, ed. Sharaf al-Dīn al-Kutubī (Bombay, 1949); idem, *Minhaj al-sunna al-nabawiyya* (Beirut, n.d.); Ibrāhīmī Dīnānī, Ghulam Ḥusayn, *Shu'ā' andīshah wa shuhūd dar falsafa-yi Suhrawardī* (Tehran, 1366 Sh./1987); *Fihrist makhṭū'āt Maktabat Köprülü*, ed. R. Şeşen et al. (Istanbul, 1406/1986); Markazi, *Khallī*; Meyerhof, Max, 'Alī al-Bayhaqī's *Tatimmat Siwān al-Ḥikma*: A Biographical Work on Learned Men of the Islam [sic.], *Osiris*, vol. 8 (1948), pp. 122–217; Nasr, Seyyed Hossein, 'Hermes and Hermetic Writings in the Islamic World', *Islamic Studies* (Beirut, 1967), pp. 63–89; Pines, Shlomo, *Studies in Abū al-Barakāt al-Baghdādī, Physics and Metaphysics* (Leiden, 1979); idem, 'Abū al-Barakāt', *ET2*, vol. 1, pp. 111–113; al-Qifī, 'Alī b. Yūsuf, *Akhbār al-'ulamā' bi akhbār al-ḥukamā'*, ed. Muḥammad Amīn Khānjī (Cairo, 1326/1906); al-Rāzī, Fakhr al-Dīn Muḥammad b. 'Umar, *al-Mabāḥith al-mashriqiyya* (Qumm, 1411/1991); *Fihrist makhṭū'āt al-ṭibb al-Islāmī fī maktabāt turkiyya* (Istanbul, 1948); Šafā, Dhabīh Allāh, *Tārīkh-i 'ulūm-i 'aqlī dar tamaddun-i Islāmī* (Tehran, 1356 Sh./1976); Šafādī, Khalīl b. Aybak, *Nakt al-hünayn*, ed. Aḥmad Zakī Beg (Cairo, 1329/1911); Sarton, George, *An Introduction to the History of Science* (Baltimore, 1931); Sezgin, GAS; Shahrazūrī, Muḥammad b. Maḥmūd, *Nuzhat al-arwāh*, ed. Khurshīd Aḥmad (Hyderabad, 1976); al-Suhrawardī,

Yahyā b. Ḥabash, '*al-Mashāri' wa al-maṭarīhāt*', *Majmū'a muṣannafāt*, ed. Henry Corbin (Tehran, 1355 Sh./1976); Wiedemann, E., 'Über die Grunden warum die Sterne bei Nacht sichtbar und bei Tag verborgen sind' in *Eders Jahrbuch für Photographie* (1909), pp. 49–54; Yāqūt, *Udabā'*.

SAMAD MOVAHHED

TR. MARYAM REZAAE AND JAWAD QASEMI

Abū Barza, al-Faḍl b. Muḥammad b. 'Abd al-Ḥamīd b. Wāsī' b. Turk al-Khuttalī was a Muslim mathematician of the late 3rd/9th to early 4th/10th century and a contemporary of Abū Kāmil Shujā' b. Aslam (q.v.). He was from Khuttal, a region around the sources of the Oxus River, to the south of Farghāna and west of Chinese Turkistan; certain sources refer to him as the grandson of Turk al-Jīlī instead of Turk al-Khuttalī (see Sayili, 87). Our knowledge of his life is confined to the important information presented by Abū Kāmil in his introduction to *al-Waṣāyā bi al-jabr wa al-muqābala*, a work that is now lost. According to Ḥājji Khalīfa, Abū Kāmil specifically outlined in his introduction the reasons behind al-Kh^wārazmī's superior knowledge of the science of algebra. He also refuted the claims of Abū Barza who had attributed this superior knowledge to 'Abd al-Ḥamīd, purportedly his forefather (Ḥājji Khalīfa, 5/67–68; cf. idem, 5/168 in which a brief reference is made to this introduction albeit without any mention of Abū Barza or his forefather). In his book *al-Jabr wa al-muqābala*, Abū Kāmil also referred to al-Kh^wārazmī's superiority in the science of algebra without mentioning Abū Barza's claim (pp. 3–5; see also Ibn Khaldūn, 383; cf. al-Kh^wārazmī, 3–8). It is interesting to note that despite his refutation of Abū Barza's claim, Abū Kāmil more or less repeats much of the material added by 'Abd al-Ḥamīd to al-Kh^wārazmī's work without making any reference to him.

It should be said that although both Ibn al-Nadīm and al-Qifī maintained that Abū Barza was 'Abd al-Ḥamīd's grandson, according to Sayili (pp. 87–88) it is not in-

دائرة المعارف بزرگ اسلامی

جلد پنجم
تران ۱۳۷۲

۲۰۱ ابوبرزه

۸۶۸/۴؛ طبری، ۶۰/۳؛ ابن اثیر، الکامل، ۲/۲۴۹).
به گفته طبری (۱۱۱/۴) در ۲۰ ق در نبرد عین شمس (شهری در مصر) که عمرو بن العاص در آنجا با موقس روبرو شد، گروهی از مسلمانان ترسیدند و سستی ورزیدند، پس عمرو از صحابه حاضر در لشکر یاری جست و آنان از جمله ابوبرزه قدم پیش نهادند و سبب نیرو گرفتن و پیروزی مسلمانان شدند (نیز نک: ابن اثیر، همان، ۲/۵۶۵). او در ۲۹ ق در لشکرکشی عبدالله بن عامر به اصطخر، دارابجرد، جور (اردشیرخره) فرماندهی جناح راست را برعهده داشت که منتهی به فتح این مناطق شد. همچنین وی در سپاه ۵۰۰۰ نفری مسلمانان به فرماندهی ربیع بن زیاد که موفق به فتح بلخ و قهستان شدند (۵۱ ق)، حضور داشت (همان، ۱۰۱/۳، ۴۸۹؛ ابن خلدون، ۳/۱۰۳).

ابوبرزه از یاران علی (ع) بود (برقی، ۳؛ طوسی، همانجا). برقی (همانجا) وی را در ردیف سلمان، مقداد، ابوذر و عمار ذکر کرده است. او در جنگهای جمل، صفین و نهروان در کنار علی (ع) بود (ابونعیم، همانجا؛ ابن اثیر، اسدالغابة، ۱۹/۵). از دیگر نکات برجسته زندگی وی اعتراض او به یزید پس از شهادت حسین بن علی (ع) است (طبری، ۳۹۰/۵؛ ابن اثیر، همان، ۲۰/۵، الکامل، ۴/۸۵).

ابوبرزه روایاتی از پیامبر (ص) نقل کرده است. احمدبن حنبل در مسند (۴۱۹/۴ - ۴۲۶)، به روایت از وی ۴۹ حدیث نقل کرده است. از میان روایان او، می توان فرزندش مغیره، ابوالمنهال سیاربن سلامة، ابوالوازع، عبدالله بن مطرف و ازرق بن قیس را نام برد (همانجا). همچنین روایت ابوبرزه از امام حسن (ع) مورد توجه محدثان امامی، چون کلینی (۱۷/۶) قرار گرفته است (نیز نک: خوئی، ۴۳/۲۱).

ابوبرزه پس از رحلت پیامبر با خانواده خود از مدینه به بصره آمد و در آن شهر ساکن شد و سرانجام در سفر جهاد به خراسان در مرو درگذشت (ابن سعد، ۹/۷، ۳۶۶؛ ابن قتیبه، ۳۳۶). ابن حبان (ص ۳۸) محل وفاتش را در بیابانی بین سجستان و هرات، و حاکم (نک: خلیفه نیشابوری، ۱۰) در نیشابور ذکر کرده است (نیز نک: ابن قیسرانی، ۵۳۴/۲؛ ذهبی، سیر، ۴۳/۳).

مأخذ: ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابة، بیروت، داراحیاء التراث العربی؛ هو، الکامل؛ ابن حبان، محمد، مشاهیر علماء الامصار، به کوشش م. فلاشهار، قاهره، ۱۳۷۹ ق/ ۱۹۵۹ م؛ ابن حجر، احمدبن علی، الاصابة، کلکته، ۱۸۵۳ م؛ ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ، بیروت، ۱۹۵۷ م؛ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر؛ ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۳۸۸ ق/ ۱۹۶۹ م؛ ابن قیسرانی، محمدبن طاهر، الجمع بین کتابی الکلاباذی والاصبهانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۳ ق؛ ابن هشام، عبدالملک، سیره النبی، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۹۷۲ م؛ ابوزرع دمشقی، عبدالرحمن بن عمرو، تاریخ، دمشق، ۱۲۰۰ ق/ ۱۹۸۰ م؛ ابونعیم، احمدبن عبدالله، ذکر اخبار اصهبان، لیدن، ۱۹۳۴ م؛ احمدبن حنبل، العلل، آنکارا، ۱۹۶۳ م؛ هو، مسند، بیروت، دارصادر؛ بخاری، محمدبن اسماعیل، التاریخ الصغیر، بیروت، ۱۴۰۶ ق/ ۱۹۸۶ م؛ برقی، احمدبن ابی عبدالله، رجال، تهران، ۱۳۴۲ ش؛ بلاذری، احمدبن یحیی، انساب الاشراف، قاهره، ۱۹۵۹ م؛ خلیفه بن خیاط، الطبقات، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۹۶۶ م؛ خلیفه نیشابوری، احمدبن محمد، ترجمه و تلخیص تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری، به کوشش بهمن کریمی، تهران، ۱۳۳۹ ش؛ خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بیروت، ۱۴۰۳

نسبقرش، به کوشش محمود محمد شاکر، قاهره، ۱۳۸۱ ق؛ طبری، محمدبن جریر، تاریخ، مصر، ۱۳۵۷ ق؛ طوسی، محمدبن حسن، اختیار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ ق؛ هو، رجال، نجف، ۱۳۸۰ ق/ ۱۹۶۱ م؛ هو، الفهرست، به کوشش محمداصادق بحر العلوم، نجف، المكتبة المرتضویة؛ عقلی، محمدبن عمرو، کتاب الضعفاء الکبیر، به کوشش عبدالعظی امین قلعجی، بیروت، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۴ م؛ قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، به کوشش جلال الدین تهرانی، تهران، ۱۳۵۳ ش؛ کراجکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، چاپ سنگی، تبریز، ۱۳۲۲ ق؛ کندی، محمدبن یوسف، الولاة، به کوشش روون گست، بیروت، ۱۹۰۸ م؛ سعودی، علی بن حسین، التنبیه والاشراف، مصر، ۱۳۵۷ ق؛ هو، انبیا الوصیة، قم، ۱۴۰۴ ق؛ هو، مروج الذهب، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت، ۱۳۸۵ ق؛ مفید، محمدبن محمد، الارشاد، نجف، ۱۳۸۲ ق؛ نجاشی، احمدبن علی، الرجال، به کوشش موسی زنجانی، قم، ۱۴۰۷ ق؛ وکیع، محمدبن خلف، اخبار القضاة، مصر، ۱۳۶۶ ق؛ بقعوی، احمدبن اسحاق، تاریخ، بیروت، دار صادر.

ابوبرزه، نک: اشعری، عامر.

ابوبرزه أسلمی، نضلة بن عبدالله بن حارث (د ۶۴۴ ق/ ۶۸۴ م)، صحابی. ابن سعد (۲۹۸/۴، ۳۶۶/۷) به نقل از فرزند ابوبرزه، نام وی را عبدالله بن نضلة، و خلیفه بن خیاط (۲۴۹/۱، ۸۲۹/۲)، نضلة بن عبدالله ثبت کرده است، اما بیشتر منابع بر نضلة بن عبید اتفاق دارند (بخاری، ۱۵۷/۱، ۱۶۶؛ ابوزرع، ۴۷۷/۱)، گرچه صورتهای دیگری نیز از نام وی در دست است (نک: ابن اثیر، اسدالغابة، ۱۴۶/۵ - ۱۴۷؛ ذهبی، تاریخ، ۳۲۸/۲؛ عبدالغنی، ۱۶۷/۱).

به گفته نووی (۱۸۰/۲) وی پیش از اسلام، نضلة بن نیار (نیار = شیطان) نام داشت؛ پیامبر (ص) او را نضلة بن عبدالله خواند (نیز نک: ابن حجر، ۲۳۷/۶). در کنیه او اختلافی نیست، تنها طوسی وی را ذیل اصحاب پیامبر (ص)، ابوبرزه (ص ۳۰) و ذیل یاران علی (ع)، ابوبرزه خوانده است (ص ۶۰) که به نظر می رسد، سهوی رخ نموده باشد. نووی معتقد است که در میان صحابه پیامبر (ص) تنها وی مکنی به ابوبرزه بوده است (۱۷۹/۲).

وی از شمار صحابه ای است که در فتح مکه (ابن سعد، ۲۹۸/۴؛ ابن حجر، همانجا)، غزوه های حنین و خیبر (همانجا؛ ابن اثیر، اسدالغابة، ۱۹/۵) و چند غزوه دیگر در کنار پیامبر (ص) بود. شمار غزوه های او را ۶ یا ۷ (احمدبن حنبل، مسند، ۴۲۳/۴؛ بخاری، ۱۵۸/۱) یا ۹ غزوه (مزی، ۹/۹) ذکر کرده اند. بنا بر نقل خود وی و وقتی پیامبر در غزوه احد آسیب دید، به مراقبت از آن حضرت برخاست و پیامبر پس از بهبود در حق او دعا فرمود (ابونعیم، ۳۹/۲). در روز فتح مکه که پیامبر همه ساکنان مکه را امان داد، فرمود ابن خطل را حتی اگر به پرده کعبه چنگ زده باشد، بکشند، زیرا او مرتد شده و مسلمانی را کشته بود و افزون بر این، دو کنیزش پیامبر را هجو کرده بودند (بلاذری، ۳۶۰/۱). پس ابوبرزه او را که به پرده کعبه آویخته بود، گرفت و بین رکن و مقام گردن زد (واقدی، ۸۵۹/۲؛ ابن سعد، ۲۹۹/۴؛ احمدبن حنبل، العلل، ۳۹۵/۱)، اما بنا بر بیشتر منابع، سعیدبن حرث مخزومی در قتل ابن خطل با او همکاری داشته است (ابن هشام،

03 OCAK 1995

MADE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELLEN BOKÜMAN